

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم وېر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دھیم از آن به که کشور به دشمن دھیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Social

اجتماعی

دپلوم انجنیر خلیل الله معروفی
برلین – 23 جولای 2011

یادی از محقق فرزانه استاد "محمد شریف بهاند"

حدود ساعات چاشت دوشنبه – هژدهم جولای 2011 – بود که زنگ تلفون به صدا درآمد. از آن طرف کسی پرسید:

«معروفی صاحب هستن؟»

گفتم بلی مه خودم معروفی استم؛ گفتم:

«مه زرينوال استم....»

باهم جورپرساني کرديم و از فاميل آن دوست جويای احوال شدم. که یکبار گفتم:

«شریف جان بهاند فوت کرد.»

نمیخواستم باور کنم و فکر کردم که گوشه‌ایم حتماً غلط شنیده‌اند، گفتم نفهمیدم؛ گفتم:

«شریف جان بهاند دیروز یکشنبه فوت کرد.»

گفتم هیچ امکان ندارد، چون شریف جان جور و تیار بود و حدوداً یک ماه پیش وقتی قسمت چهارم مقاله جالب و تحقیقی خود را در مورد لشکرگاههای امریکائی زیر عنوان «د پوخی ادو د رامنخته کولو اړتیا او د هغو موخي» به پورتال "افغانستان آزاد – آزاد افغانستان" فرستاد، بلافاصله تلفون کشید و خواست از وصول مقاله اش اطمینان حاصل نماید. ایمیل پورتال را باز کرده و خاطر جمع‌ی داده گفتم:

«بلی؛ مقاله ات رسیده.»

در آن وقت کوچکترین علالتی را نمیتوانست از خود بروز بدهد و همه فکر میکردیم که شریف جان واقعاً جور و تکه است. حتی خود هم از صحت خود بسیار مطمئن بود و به همه کس با مباحثات میگفت:

«مه ده تمام عمر خود یک گولی هم نخورده‌ام.»

اما مثلی که اطمینان قلبی آن مرحوم، واقعیتی تلخ را میپوشاند و او را به کلی خالی الذهن ساخته بود.

شریف جان بهاند بعد از اینکه سرفه شدید توأم با تکلیف تنفسی پیدا کرد، به داکتر روی آورده و بزودی دریافت که ششهایش را آفت خبیث سرطان از کار انداخته است. فقط دو هفته در شفاخانه بود و بعد خبر وفاتش در همه جا پیچید و بر فامیل و انبوه دوستانش زخمی علاج نپذیر زده همه را داغدار گردانید. با مرگ شریف جان بهاند، قلب پر تپشی که میتوانست آثار گرانباری را به اولاد وطن و جهان تحقیق تقدیم نماید، از کار ماند و آرزوهای بیشمار یک دانشمند متعهد و پرکار با خاک یکسان گردید.



مرحوم استاد محمد شریف بهاند

آشنائی من با مرحوم بهاند در اپریل سال 2002 بهم رسید و آن زمانی بود که در تیم "دری - پشتو"ی تلویزیون "دوچه وله برای افغانستان" شروع بکار نمودیم. وی قسمتی از سرپرستی تیم پشتو را به عهده داشت و کار من در عین شکل در قسمت زبان دری بود. در مدتی که در آنجا بودیم هفته سه چار روز کار مشترک داشتیم و در ضمن کار به اختلاط و خوش طبعی و انبساط خاطر پرداخته و از حال و احوال یکدیگر اطلاع حاصل میکردیم.

میدیدم که شریف جان در همان زمان هم به کارهای تحقیقی و موشگافانه سخت انهماک دارد و از خلال منابع المانی و انگلیسی حقایق پشت پرده مربوط به افغانستان عزیز و جهان را بیرون می آورد. کتاب مشهور "حقیقت ممنوع" را از المانی به دری ترجمه کرد و از من خواست تا به ویرایش آن از نگاه زبان دری بپردازم که به کمال میل پذیرفته و این فرمایش آن دوست و همکار نهایت عزیز را انجام دادم. متأسفانه چاپ آن ترجمه دری این اثر جالب و افشاءگر، با سختگیریهای مؤلف کتاب - بخاطر دریافت امتیازات مادی - به موانع مواجه گردید و بعد ندانستم که شریف جان بهاند این کتاب ارزشمند را به حلیه طبع رسانیده توانست و یا نی؟

در نیمه سال 2005 با پورتال "افغان جرمن آنلاین" آشنائی دست داد و بعداً عضویت آن سایت را پذیرفته و از طریق آن فعالیت‌های ادبی - سیاسی را براه انداختم. کمی بعد بنا بر تشویق من شریف جان بهاند هم به خیل همکاران قلمی آن صفحه اینترنتی پیوست. شریف جان از همان زمان تا آخرین روزهای زندگی با آن سایت همکاری قلمی داشت. من مگر یکجا با چند دوست همفکر و هم‌زمن، که از سنگ اندازیه‌ها و ماجراجوییهای تنی چند از اعضای "افغان جرمن آنلاین" رنج میبردیم، وقتی کارد به استخوان رسید، به تاریخ چارم جون 2008 از عضویت و فعالیت در آن وبسایت کناره گرفته و ب فکر ایجاد وبسایتی گردیدیم که امر و نهی هیچ کسی را نپذیرد و ما از طریق آن فعالیت‌های آذیخواهانه و دلخواه خود را در پای مردم و وطن محبوب خود بریزیم. خوشبختانه که این آرزو به زودی تحقق پذیرفت و وبسایت "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان" بنیاد نهاده شد.

بلافاصله بعد از آنکه پورتال "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان" را به تقریب سالگرد هشتاد و نهم استرداد افغانستان از یوغ انگریز، در 18 اگست 2008 تأسیس کردیم، شریف جان بهاند نیز همکاری خود را با این صفحه نوبنیاد شروع کرد؛ و مقالات تحقیقی وی در پهلوی مقالات دیگر دانشمندان دلسوز وطن، از همان غنّوان تولد و نوجوانی پورتال،

شاهد مدعاست. مقالات وی از ساحت تخصصی او یعنی عرصه اقتصاد منشأ گرفته و دامنه اش با مهارت به سیاست کشانیده میشد. آخرین مقاله تحقیقی و بسیار نافذش در مورد لشکرگاههای اضلاع متحده امریکا تدوین گردیده بود که در چار بخش در پورتال ما نشر گردید.

شریف جان در حضرت بزرگوار کابل دنیا آمده و دوزبانه بار آمده بود. زبانهای ارجمند پشتو و دری هردو، زبانهای مادری او بودند و بر هردو تسلط کامل داشت. در بسا آثار وی تلفیقی ازین دو زبان را مشاهده میکنیم که سخت بجا و نکو و گوارا افتاده است. وی با این کار خود، بمانند دیگر افغانان وطنخواه و دلسوز، در واقع در مسیر تحقق وحدت ملی افغانها عملاً گام برمیداشت. مقالات استاد بهاند برای پورتال ما بیشتر به زبان پشتو نوشته میشد، چون از شریف جان بهاند جداً تقاضاء و خواهش کرده بودیم تا مقالات خود را برای پورتال "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان" به زبان ملی پشتو بنویسد و او این خواهش پورتال را از صمیم قلب تحقق میبخشید. این خواهش ما از دو جهت بود:

- یکی اینکه در آن زمان همکاران پشتونویس کمتر داشتیم.

- ولی هدف مهمتر ما این بود تا آن دانشمند والامقام و آن پژوهشگر عالیقدر مقالات خود را بزبان ارجمند پشتو بنویسد، تا غنائی باشد برای این زبان. و اگر همه پشتونان ما بیشتر به زبان پشتو مینوشتند، منابع ادبی و علمی موجود در زبان پشتو تا این حد تنگ و محدود نمی ماند. این سخن بدرجه اول متوجه نخبگان نیست که زبان مادری شان پشتو بود ولی آثار گرانبار خود را به دری نوشتند، از قبیل استاد علامه پوهاند عبدالحی حبیبی، استاد عبدالرحمان پژواک، استاد وکیلی فوفلزائی، استاد عبد الله افغانی نویس و غیره و غیره. بگذریم ازینکه حتی زمامداران پشتون - از اعلیحضرت احمد شاه بابایی کبیر گرفته تا پسرش تیمورشاه و بعد شاه شجاع و بعد سردار رحمدل خان مشرقی و ... بزبان دری اشعار آبدار به یادگار گذاشته اند. اینان که توجه خاص به زبان دری داشتند، دفتر و دیوان را هم اندرین زبان ارجمند دائر کرده بودند، که تا به امروز هم چنان است.

انهماک دانشمندان پشتون ما به زبان ارجمند دری هم خیلی به سود ماست و هم به زیان ما. به سود ماست که زبان دری ازین طریق بارورتر و غنیتر میگردد. مگر بزبان ماست، چون چنین انهماکی باعث میگردد که این قوای خلاقه مجال نوشتن و پرداختن به زبان پشتو یعنی زبان مادری خود نویسندگان را نیابند. و چون این کار تکرار شود و از هر دانشمند پشتون ما تکرار شود، خلای عظیم در پرورش و پرورش علمی زبان پشتو ایجاد گردد. متأسفانه که این منوال از زمانه های پیش تا به امروز تداول داشته و قوام یافته است و یقیناً که تکرار این امر به مرور قرون و دهور، باعث شده است که زبان شیرین پشتو خود فقیر بماند. در واقع این کار دانشمندان پشتون ما یکی از علل اساسیست که این زبان ارجمند و پرصلابت را فقیر، کم بغل و دستنگر نگه دارد.

طوری که گفتیم، استاد بهاند به تقاضای پورتال "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان" لیبیک گفته و مقالات خود را برای ما به پشتو مینوشت. از ابتکارات بهاند مرحوم استفاده از بعض حروف خاص پشتو در دری هم بود، که دری فاقد فونتیک آن است. مثلاً حرف "خ" پشتو که معادل آن در زبان دری وجود ندارد. بعض زبانهای اروپائی حروفی دارند که معادل فونتیک آن در زبان دری موجود نیست ولی زبان پشتو این معادل را دارد. مثلاً حرف "Z" المانی که در زبان دری معادل تلفظی "یکحرفی" ندارد و از همین رو آن را با ترکیب دو حرف "ت + س" افاده میکنند. اما زبان پشتو همین معادل تلفظی را در حرف "خ" نقد و تیار دارد. و خوشبختانه که شریف جان بهاند که از منابع المانی استفاده وسیع میکرد، این ظرافت را با درایت دریافته و جایی که اسم خاص المانی متضمن همین حرف میبود، آن را با "خ" پشتو ارائه میکرد.

چنان که میدانیم از الفبای تاییبی و کمپیوتری زبان دری از برکت فارسی ایران، حرف "یای مجهول" ساقط گردیده است و ما مردم که یای مجهول در فونتیک کلمات ما وجود وسیع دارد و از همین سبب هم زمانی در ماشینهای تایپ خود تکه این حرف خاص را داشتیم، امروز از خیرات سر ایرانیان فاقد آنیم. معمول ما مگر اینست که هردو "ی" را با عین حرف بنویسیم که مینویسیم. اما چرا از زبان دیگر ملی خود که زبان خود ماست، استمداد نکنیم و در هنگام نوشتن با کمپیوتر یعنی در هنگام تایپ کردن کمپیوتری، حرف "یای مجهول" را از "کیبورد" و الفبای پشتو نگیریم؟؟؟

بعضاً کتب مورد ضرورت آن دوست را از کتابخانه ام در اختیارش میگذارم و وی نیز کتب را امانت و سلامت مسترد میکرد. وی گویا فرهنگ امانت گرفتن و خواندن کتاب را درست درک و عملی میکرد؛ برخلاف بعض کسان که کتاب امانت را ژولیده و فرسوده و سیاه و چرک به صاحبش پس میدهند. و این خصلتیست سخت مذموم که مع الاسف در حد بسا هموطنان ما مصداق مییابد. شریف جان بهاند مگر در طیف افغانان واقعاً حالت استثنائی را داشت و هر کتابی را که امانت میگرفت، پاک و پاکیزه و به موقع به صاحبش میرساند.

وقتی خبر ناگوار مرگ شریف جان را گرفتم، در پهلوی بخاطر آوردن شمایل و سلوک انسانی وی و اینکه هیچ دوستی را نشنیده بودم که از وی شکایت نموده باشد. به یاد آوردم که دو سال پیش یکی از تألیفات جالب خود را زیر عنوان «**پرده دوم بازی بزرگ - تحقق منافع ستراتژیک در پوشش دموکراسی**» برایم اهداء کرده بود. ارزش این کتاب ارجمند برای من در پهلوی محتوای نافذ آن، از ناحیه چند کلمه ای هم هست که ضمن اهدای کتاب به خط خودش نوشته شده است. چه باک دارد که آن نمونه خط و اهدای آن کتاب ارجمند را درینجا سکن کرده نشر کنم؟



معرفی کتاب:



نام کتاب: پرده دوم بازی بزرگ
نویسنده: شریف بهاند
مهتم: دوکتور لطیف بهاند
طرح جلد: دیپلوم انجینر عبد الخالق نوری
ناشر: دانش خپرنډويه ټولنه
تیراژ: ۱۰۰۰ جلد
سال چاپ: ۱۳۸۸ هـ / ۲۰۰۹ ع

کلیه حقوق محفوظ است

محل چاپ

بخش تخنیکي دانش خپرنډويه ټولنه
کلوله پشته، حوزه چهارم امنیتی، مارکیت ملی، اسد دانش مطبعه- کابل
۰۷۰۰۴۴۹۲۹۸

www.danishpress.com

اگر همه ما یک نوع می اندیشیم، در
حقیقت هیچ یک از ما نمی اندیشد.

والتر لیپمن

معرفی ص ۱
فطرت، کوشش،
علم و معرفت،
سران
۱۲ سپتامبر ۲۰۰۹
سرفراز

در اخیر این یادنامه مختصر در کمال حسرت و با هزاران افسوس از فقدان یک دوست بسیار ارجمند و یک محقق و دانشمند فرزانه وطن یادآور میشوم که :

مرگ شریف جان بهاند برای جامعه دانشپژوه افغانی کلاً ضربه ای بود عظیم. این ضربه در سکتور زبان عزیز پشتو مگر عمیقتر به نظر میرسد، چون چنانکه رفت، افغانستان عزیز ما در زمینه کارهای تحقیقی و علمی در زبان ملی پشتو متأسفانه به قحط الرجال مواجه است. اینست که زخم ناشی از مرگ وی در حد طیف نحیف نگهداشته شده پشتو، واقعاً به مشکل میتواند التیام پذیرد.

روحش شاد

و یادش تا جهان است،

به نکوئی باد!!!